

تاریخچه‌ی انجیل‌های چهارگانه

سید محمد دلبری
کارشناس گروه دینی
دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی

نحوه‌ی کتابت آن و همچنین شیوه‌ی حفظ، جمع‌آوری و تدوین آن ارائه می‌دهد؛ به گونه‌ای که اصالت متن قرآن کریم را تأیید و برآن تأکید می‌کند و ساحت مقدسش را از هرگونه تحریفی مبرا می‌داند.

قرآن کریم به عنوان متنی اصیل، از کتاب‌های دیگر پیامبران، از جمله کتاب مقدس مسیحیان، «انجیل» نه انجیل‌ها، و همچنین «تورات»، کتاب مقدس یهودیان سخن می‌گوید و آن‌ها را وحی الهی و منتسب به حضرت عیسی (ع)^۱ و حضرت موسی (ع)^۲ می‌داند و خود را مصدق و مؤید آن‌ها معرفی می‌کند.^۳

اکنون ما نه با یک انجیل، بلکه با انجیل‌هایی روبه‌رو هستیم که به عنوان کتاب‌های مقدس مسیحیان شناخته می‌شوند. دغدغه‌ی مقاله‌ی حاضر، پی‌بردن به اصالت و اعتبار این انجیل‌ها با روش اول، یعنی بررسی تاریخی است که در آن، زمینه‌های پیدایش و رسمیت یافتن آن‌ها بررسی خواهد شد.

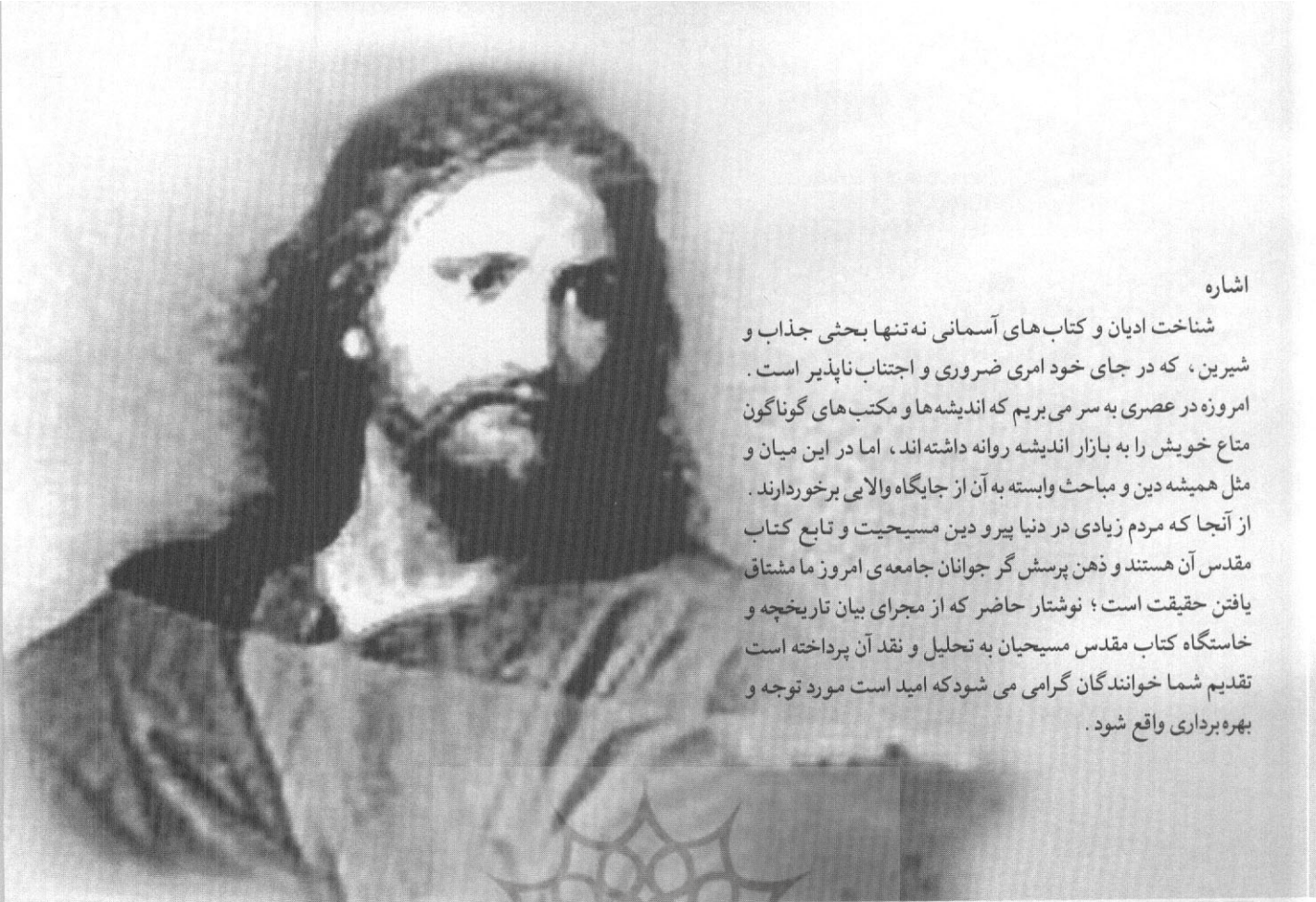
زمینه‌های پیدایش و افزایش نگارش انجیل‌ها

تاریخ «کتاب» هردینی، جدا از تاریخ آن دین نیست،

مهم‌ترین ابزار شناخت ادیان، شناخت درست کتاب‌های آن ادیان به عنوان اولین و جامع‌ترین منابع آموزه‌هایشان است. شناخت این کتاب‌ها می‌تواند به دو شیوه صورت گیرد: اول، بررسی تاریخی کتاب‌های مذکور از نظر چگونگی شکل‌گیری آن‌ها، از قبیل: نحوه‌ی نزول این کتاب‌ها، شیوه‌ی نگارش، حفظ و جمع‌آوری آن‌ها و همچنین شناخت کسانی که به این امور مهم پرداخته‌اند. دوم، تحلیل متن کتاب‌های مذکور با رویکردی انتقادی است که در آن، به عقلانی بودن یا نبودن آموزه‌ها، تعارضات یا تناقضات و تضادهای موجود در آن‌ها و... پرداخته می‌شود و میزان حقانیت آن‌ها از این راه مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

شناخت کتاب‌های مقدس با دو رویکرد تاریخی و انتقادی، از یک سو می‌تواند اصیل بودن یا نبودن این کتاب‌ها را مشخص کند و از سوی دیگر، نمایانگر میزان اعتبار یا عدم اعتبار آموزه‌های حاکم در آن ادیان است. به بیان دیگر، الهی بودن یا نبودن آن‌ها را روشن می‌سازد.

تاریخ «قرآن کریم»، کتاب مقدس مسلمانان، تصویری روشن از چگونگی نزول آن بر پیامبر اکرم (ص)، کاتبان وحی،



اشاره

شناخت ادیان و کتاب‌های آسمانی نه تنها بحثی جذاب و شیرین، که در جای خود امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. امروزه در عصری به سر می‌بریم که اندیشه‌ها و مکتب‌های گوناگون متاع خویش را به بازار اندیشه روانه داشته‌اند، اما در این میان و مثل همیشه دین و مباحث وابسته به آن از جایگاه والایی برخوردارند. از آنجا که مردم زیادی در دنیا پیرو دین مسیحیت و تابع کتاب مقدس آن هستند و ذهن پرسش‌گر جوانان جامعه‌ی امروز ما مشتاق یافتن حقیقت است؛ نوشتار حاضر که از مجرای بیان تاریخچه و خاستگاه کتاب مقدس مسیحیان به تحلیل و نقد آن پرداخته است تقدیم شما خوانندگان گرامی می‌شود که امید است مورد توجه و بهره‌برداری واقع شود.

فیه هدی و نور و مصداقاً لما بین یدیه من التوراة و هدی و موعظةً للمتقين.^۹
ترجمه: و عیسی پسر مریم را به دنبال آنان فرستادیم، درحالی که به تورات که پیش از او بود تصدیق داشت، و به او انجیل را عطا کردیم که در آن هدایت و نوری است و تصدیق‌کننده تورات قبل از آن است و برای پرهیزکاران رهنمود و اندرزی است.

و در سوره‌ی آل عمران از زبان حضرت عیسی (ع) آمده است: «و اذ قال عیسی بن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصداقاً لما بین یدی من التوراة و مبشراً برسول یأتی من بعدی اسمہ احمد...»^{۱۰}

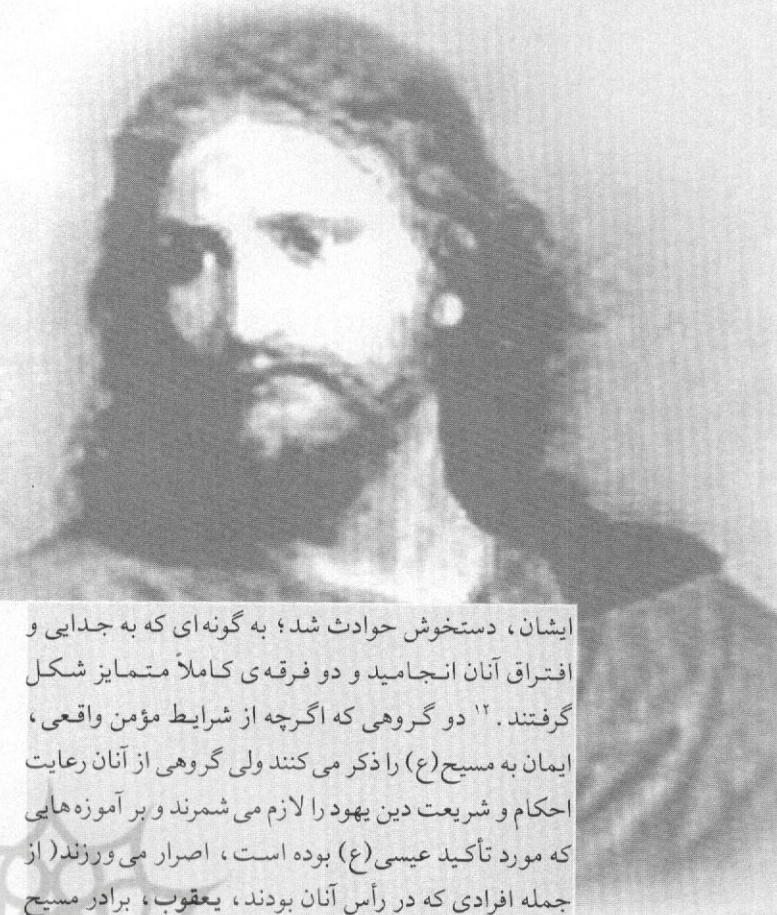
ترجمه: و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم. تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او «احمد» است بشارت‌تگرم...

تحولات اساسی تاریخ مسیحیت بعد از حضرت عیسی (ع)، آن هنگام آغاز شد که آموزه‌های ایشان، به خصوص شعار اصلی رسالتش، یعنی عمل براساس احکام و شریعت واقعی حضرت موسی (ع) در میان پیروان

بلکه می‌توان گفت، بخش مهم و اساسی از تاریخ هر دینی را تاریخ کتاب مقدس آن دین، به عنوان محور و اساس آن تشکیل می‌دهد. تاریخ انجیل، کتاب مقدس مسیحیان، نیز این‌گونه است. بنابراین، به بیان دوره‌هایی از تاریخ مسیحیت می‌پردازیم که زمینه‌ساز شکل یافتن انجیل‌ها بوده‌اند.

پیدایش کتاب‌های مقدس، در دوره‌ی اول تاریخ مسیحیت^۱، یعنی دوره‌ی شکل و تدوین عقاید و اعلام موجودیت، هم‌زمان با رسالت حضرت عیسی (ع) که حدود سه سال طول کشید، آغاز شده است.

حضرت عیسی (ع) در میان قومی که معتقد به دین حضرت موسی (ع) و به اصطلاح یهود بودند، مبعوث شد.^۵ یهودیان تنها در ظواهر شریعت غرق بودند^۶، و حضرت عیسی (ع) مأموریت اصلی خود را اصلاح اعتقادات این افراد اعلام کرد.^۷ حضرت عیسی (ع)، رسالت خود را احکام و شریعت دین یهود نمی‌دانست، بلکه هرگاه زمینه‌ای فراهم می‌شد، بر عمل به دستورات و احکام موسوی تأکید می‌کرد.^۸ قرآن کریم این حقیقت را به صراحت چنین بیان می‌کند: «وقفینا علی آثارهم بعیسی بن مریم مصداقاً لما بین یدیه من التوراة و اثیناه الانجیل



ایشان، دستخوش حوادث شد؛ به گونه‌ای که به جدایی و افتراق آنان انجامید و دو فرقه‌ی کاملاً متمایز شکل گرفتند.^{۱۲} دو گروهی که اگرچه از شرایط مؤمن واقعی، ایمان به مسیح (ع) را ذکر می‌کنند ولی گروهی از آنان رعایت احکام و شریعت دین یهود را لازم می‌شمردند و بر آموزه‌هایی که مورد تأکید عیسی (ع) بوده است، اصرار می‌ورزند (از جمله افرادی که در رأس آنان بودند، یعقوب، برادر مسیح است.^{۱۲})

و در مقابل، گروه دیگری تنها ایمان به عیسی (ع) را شرط لازم و کافی برای نجات معرفی می‌کردند که در رأس آنان پولس قرار دارد. پولس در تعالیم خود نگران نبود که عیسی چه گفته است و حتی و در اکثر اوقات از تعلیمات عیسی (ع) فاصله می‌گرفت. معتقد بود که: «باید بندهای پوسیده‌ی شریعت موسی را رها کرد و طلبکار آزادی روح و حریت شد.» از این رو صریحاً اعلام کرد که دیگر عمل ختان و جویی ندارد و همچنین، رعایت حلال و حرام در طعام و شراب ضرورت نخواهد داشت.^{۱۳}

در این دوره، بدعت‌ها و تحریفات فراوانی آموزه‌های حضرت عیسی (ع) را فراگرفت و گروه‌های متفاوتی پدید آمدند. این در حالی بود که به اعتقاد جهان مسیحیت، عیسی (ع) کتابی از خود به جای نگذاشته بود.^{۱۴} در این میان، گروهی که خود را مسبوق در ایمان به حضرت عیسی (ع) می‌پنداشتند، یا دیگران درباره‌ی آنان این گونه می‌اندیشیدند، و خود را متولی تعالیم عسی (ع) می‌دیدند، بر آن شدند که سخنان عیسی (ع) را در قالب مجموعه‌ها و رسایی به هم کیشان خود ارائه کنند. بنابراین این دوران، دوران فراوانی انجیل‌ها است. این انجیل‌ها که هر یک به

دست پیروان فرقه‌های متفاوت مسیحی نوشته شده‌اند، در حکم دستورالعمل آن فرقه و گروه بودند.^{۱۵} محققان، انگیزه‌ی نگارش این انجیل‌ها را یکسان ذکر نکرده‌اند. از مهم‌ترین انگیزه‌های ذکر شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. مبارزه با قوانین جدیدی که از سوی پیروان عیسی (ع)، به خصوص پولس و هم‌فکران وی وضع شده بود؛ یعنی مبارزه با دیدگاهی که به انتزاع احکام و شرایع موسوی از مسیحیت معتقد بود.^{۱۶}

۲. هدف از نوشته شدن انجیل‌ها به جز انجیل‌های معتبر، یعنی انجیل‌های: متی، مرقس، لوقا و یوحنا، حفظ عقاید فرقه‌های به خصوصی بود که نماینده‌ی مسیحیت اصیل تاریخی نبودند، بلکه در واقع انحرافی از آن و یا مخالف آن بودند.^{۱۷}

۳. نویسندگان انجیل‌های غیررسمی، با توجه به فضای حاکم بر زمانی که انجیل‌های اربعه به وجود آمدند، به نقد کتاب مقدس پرداختند. انجیل‌های خود را به گونه‌ای بیان کرده‌اند که تفاوتی با سایر انجیل‌ها ندارند.

منقولات انجیل‌ها درباره‌ی عیسی، نوشته‌هایی هستند که از جو مبارزه و نزاع الهام گرفته‌اند و ما را از روحیه‌ی سخنگویان سنن جماعت‌های مسیحی و به خصوص مبارزات موجود میان گرایش‌های یهودی-مسیحی و گرایش‌های پولسی آگاه می‌سازند. بنابراین، تحولات زندگی عیسی (ع) در انجیل‌ها را باید براساس هدف مؤلفان توجیه کرد که مبتنی بر نظرگاه‌های شخصی است.^{۱۸}

در هر حال این انجیل‌ها، هیچ کدام عین و نص گفتار عیسی (ع) نیستند بلکه نبود و در حکم دستورالعمل یا مبنای

اعتقادات گروه‌های مسیحی سده‌های نخستین بوده‌اند. تعداد انجیل‌ها را، به جز انجیل اربعه، تا یک صد انجیل تخمین زده‌اند که تا سال‌های آخر سده‌ی دوم میلادی، به راحتی در دسترس بوده‌اند.^{۱۹} از جمله‌ی آن‌ها می‌توان انجیل‌های توماس، ژاک، فیکودم، پطرس، متای دوم، برنابا، حقیقت و مریم را نام برد.^{۲۰} از مشهورترین این انجیل‌ها، انجیل ایونیت بوده که بر اجرای شریعت و احکام موسوی، خاصه سنت ختان تأکید داشته است. بسیاری از این انجیل‌ها مورد استفاده و احترام مسیحیان بوده‌اند، هر چند کلیسا بعداً آن‌ها را طرد و رجوع به آن‌ها را ممنوع کرد.^{۲۱}

انجیل‌های اربعه

در سده‌های نخستین تاریخ مسیحیت، انجیل‌های متعددی در میان مسیحیان رواج داشت که همه نزد بسیاری از آنان مشروع و محترم بودند، حال آن‌که آنچه امروزه ارباب کلیسا به آن اعتقاد دارند، تنها شامل چهار انجیل است که عبارتند از: انجیل‌های متی، مرقس، لوقا و یوحنا که در کنار تعدادی از رساله‌ها و کتاب‌های دیگر، در کتاب مقدس قرار گرفته‌اند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چه عامل یا عواملی سبب شدند، تنها چهار انجیل رسمیت یابند و سایر انجیل‌ها که البته تعدادشان هم کم نبود، بی اعتبار شمرده شوند؟

در اواخر قرن دوم میلادی، ارباب کلیسا به سبب وجود انجیل‌های متعدد، مسیحیت را در تشتت و پراکندگی می‌دیدند.^{۲۲} نمونه‌ی این پراکندگی را ویل دورانت این گونه بیان کرده است: «در ادبیات مسیحی در قرن دوم، انجیل‌نامه

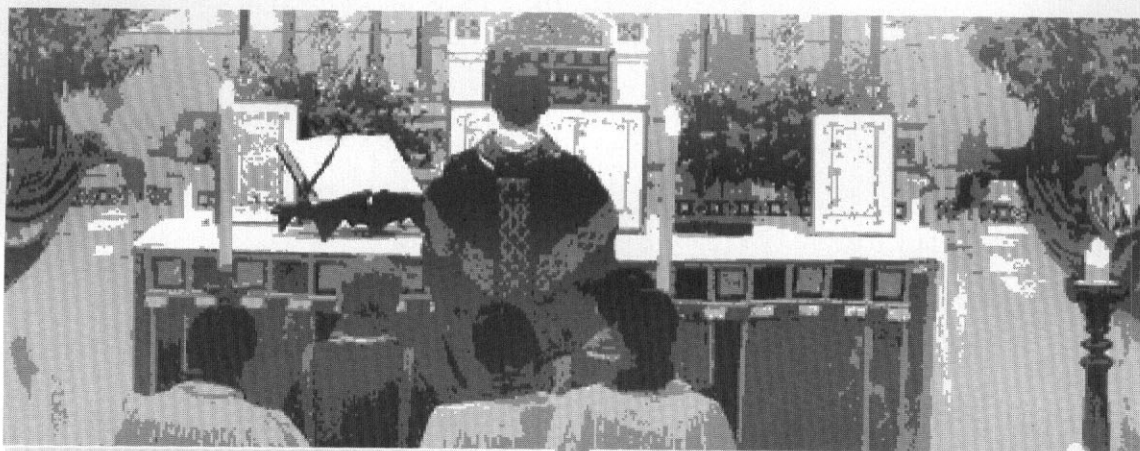
(رساله)، اسفار، مکاشفه و اعمال فراوان بود و مسیحیان در رد یا قبول آن‌ها، به عنوان تفسیر مجاز از عقاید مسیح، هم‌داستان نبودند. کلیساهای غرب، 'کتاب مکاشفه‌ی یوحنا' را قبول داشتند، [در حالی که] کلیساهای شرق، به کلی آن را رد می‌کردند و برعکس انجیل عبری و 'رساله‌های یعقوب' را قبول داشتند که در غرب مردود بود.^{۲۳}

این اختلافات و تفرقه‌ها به گونه‌ای بود که گفته شده است، در حدود سال ۱۸۷ م، ایرنایوس، صورتی مرکب از ۲۰ گونه مسیحیت تنظیم کرده بود.^{۲۴} از سوی دیگر، کلیسای نوبنیاد و کم‌توان با دولتی قدرتمند مواجه بود که مبارزه‌ای سرسختانه با آن داشت.^{۲۵} این عوامل سبب شدند که ارباب کلیسا برای حفظ انسجام خود، به تلاشی جدی دست زدند و پاره‌ای از انجیل‌ها را به رسمیت بشناسند. در تاریخ دقیق زمان رسمیت بخشی به انجیل‌ها اختلاف نظر است و مشهورترین نظر آن را به اواخر قرن دوم میلادی نسبت می‌دهد. این عمل کلیسا به راحتی مورد پذیرش پیروان مسیحیت واقع نشد و شواهد تاریخی نشان می‌دهند که این امر تا اواخر قرن چهارم میلادی فراگیر نشده است.^{۲۶}

انجیل‌های مشروع، انجیل‌های نامشروع

بی‌گمان، اولین پرسشی که بعد از این مطالب ذهن کنجکاو انسان را به خود مشغول می‌دارد، آن است که ملاک و معیار ارباب کلیسا در تعیین مشروعیت و عدم آن چه بوده است؟ ملاک‌ها و معیارهایی که در این موضوع می‌توان در نظر گرفت، عبارتند از:

۱. وحیانی بودن یا وحیانی نبودن (فعل بشری): مسلم است که این ملاک مدنظر نبوده است، زیرا ارباب خودکلیسا معترفند



الهی دارند. به عبارت دیگر، آن‌ها می‌گویند که خدا کتاب مقدس را به وسیله‌ی الهامات روح القدس تألیف کرده و برای این منظور، مؤلفانی از بشر را برای نوشتن آن‌ها برانگیخته و آنان را در نوشتن به گونه‌ای یاری کرده که فقط چیزهایی را که او خواسته است، نوشته‌اند.^{۲۷}

آن‌ها می‌گویند، این انجیل‌ها به صاحبان آن‌ها الهام شده‌اند و برای همین، مشروعدند و بقیه‌ی انجیل‌ها نامشروع. ولی این سخن را به چند دلیل نمی‌توان پذیرفت:

الف) ادعای مذکور، بدون هیچ پشتوانه‌ی عقلی و نقلی بیان شده و در مقام ادعا باقی مانده است.

ب) اگر اراده و الهام الهی بر نوشتن این کتاب‌ها توسط این مؤلفان قرار گرفته است، چگونه می‌توان تعارضات و تناقضات موجود در انجیل‌های به اصطلاح مشروع را توجیه کرد؟ آیا در الهام خداوند می‌تواند تناقض و تعارض وجود داشته باشد؟!

ج) نویسندگان این انجیل‌ها، چنین ادعایی نداشته‌اند و فعل و کلام خود را منتسب به الهام نکرده‌اند. لوقا در ابتدای انجیل خود می‌گوید: «چون بسیاری از مردم قصد کرده بودند که ترتیب دهند حکایات اموری را که در ما به کمال رسیده، چنان‌که رسیده‌اند به ما گروهی که از ابتدای آن زمان حکم را دیده‌اند و بوده‌اند خدمت کاران او، و من از روی تحقیق از پی هر مطلبی رفته بودم، خواستم که بنویسم به جهت تو ای عزیز تا وفیلاً...»^{۲۸}

با توجه به این دلایل، ملاک الهام شدن انجیل‌های مذکور بر صاحبان این کتاب‌ها را جهت مشروعیته‌شان نمی‌توان پذیرفت؛ آن‌گونه که مسیحیان دوران اولیه چنین اعتقادی نداشته‌اند. بنابراین، انجیل‌های گوناگونی وجود داشته‌اند و

که با این ملاک نمی‌توان بین انجیل‌ها تفاوتی قائل شد؛ چرا که همه‌ی آن‌ها را اعم از مشروع و نامشروع، وحی الهی نمی‌دانند.^{۲۷}

۲. نگارش یا عدم نگارش توسط عیسی (ع): مسیحیان تأکید دارند که حضرت عیسی (ع) کتابی از خود به جای نگذاشته و علت پدید آمدن انجیل‌های متعدد را در همین موضوع می‌دانند. تاریخ انجیل‌ها نیز نشان می‌دهد که تمام آن‌ها بعد از حضرت عیسی (ع) نوشته شده‌اند.^{۲۸} بنابراین، پشتوانه‌ای همچون تأیید عیسی (ع) را با خود ندارند.

۳. منبع و مأخذ بودن یا نبودن: شواهد تاریخی نشان می‌دهد، بسیاری از انجیل‌هایی که نامشروع شمرده شده‌اند، در میان گروه‌های گوناگون دارای اعتبار بودند و به آن‌ها عمل می‌کردند که ما نیز تعدادی از آن‌ها را ذکر کردیم.

۴. قدمت یا تأخر: گروهی در اعتبار یافتن انجیل‌های مشروع، قدمت نگارش آن‌ها را بیان می‌کنند و می‌گویند، اولین انجیل‌هایی بوده‌اند که پیروان مسیح (ع) نوشته‌اند. حال آن‌که انجیل توماس، از سه انجیل متی، مرقس و یوحنا کهن تر است و این انجیل‌ها که به انجیل‌های نظیر یا همدید شهرت دارند، اصل مطالب خود را از آن انجیل گرفته و به آن شاخ و برگ داده‌اند. در عین حال از سوی ارباب کلیسا، جزو انجیل‌های مشروع معرفی نشده است.^{۲۹}

پس ملاک اصلی آنان در انتخاب این انجیل‌ها چه بوده است؟ توماس میشل، یکی از متکلمان مسیحی، دیدگاه مسیحیان را این‌گونه بیان می‌کند: «مسیحیان معتقدند که خداوند کتاب‌های مقدس را به وسیله‌ی مؤلفانی بشری نوشته است. بنابراین این کتاب‌ها، یک مؤلف بشری و یک مؤلف



سال‌ها طول کشیده است تا مورد پذیرش قرار گیرند (اواخر قرن چهارم).
 ان‌شاء‌الله در مقاله‌ای دیگر تناقضات و تعارضات موجود میان انجیل‌ها را بررسی خواهیم کرد.

۲۵. همان، ص ۷۲۱.
 ۲۶. مقدمه ترجمه انجیل برنابا، ص ۷۱.
 ۲۷. کلام مسیحی، ص ۲۴.
 28. The Jerusalem Bible, p5, 46, 10, 174.
 ۲۹. فصلنامه مطالعات اسلامی، ص ۲۵۹.
 ۳۰. کلام مسیحی، ص ۳۶.
 ۳۱. انجیل لوقا، ۱.

زیرنویس

۱. حدید، ۲۷.
 ۲. سجده، ۲۳.
 ۳. آل عمران، ۳.
 ۴. انجیل برنابا، ص ۳۶.
 ۵. انجیل مرقس ۱/۱۲-۱۵.
 ۶. انجیل متی ۱۰/۵-۶.
 ۷. همان، ۲۵/۱۵.
 ۸. همان ۱۹/۱۶-۱۸.
 ۹. مائده، ۴۶.
 ۱۰. آل عمران، ۵۰.
 ۱۱. انجیل برنابا، ص ۳۳.
 ۱۲. تاریخ جامع ادیان، ۱۳۷۵، ص ۶۱۳.
 ۱۳. همان، ص ۶۱۶.
 ۱۴. همان، ص ۵۷۶.
 ۱۵. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ص ۶۵۴.
 ۱۶. انجیل برنابا، ص ۳۵.
 ۱۷. معرفی عهد جدید، ص ۱۴۶.
 ۱۸. عهدین، قرآن و علم، ص ۱۰۸.
 ۱۹. همان، ص ۱۱۳ تا ۱۱۵.
 ۲۰. فصلنامه مطالعات اسلامی، ص ۲۴۷.
 ۲۱. مقدمه ترجمه انجیل برنابا، ص ۷۰.
 ۲۲. تاریخ جامع ادیان، ص ۶۳۱.
 ۲۳. تاریخ تمدن، ج ۳، ص ۷۲۱.
 ۲۴. همان، ص ۷۲۰.

منابع

۱. قرآن کریم.
 ۲. کتاب مقدس، انجیل اربعه، ترجمه هنری مرتن، تهران، اساطیر، ۱۳۷۹.
 ۳. انجیل برنابا، ترجمه حیدر قلی سردار کابلی، تهران، نیایش، ۱۳۷۹.
 ۴. تاریخ تمدن، دورانت. ویل، جلد ۳ (قیصر و مسیح) ترجمه علی اصغر سروش، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۵. تاریخ جامع ادیان، ناس. جان بی، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
 ۶. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰.
 ۷. دائرةالمعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۵.
 ۸. عهدین، علم و قرآن، بوکای. موریس، ترجمه حسن حبیبی، تهران، انتشارات حسینیه ارشاد، ۱۳۵۷.
 ۹. فصلنامه مطالعات اسلامی، نشریه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی، شماره‌های ۶۵ و ۶۶.
 ۱۰. کلام مسیحی، میشل. توماس، ترجمه حسین توفیقی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳.
 ۱۱. معرفی عهد جدید، سی‌تی، مریل، ترجمه ط. میکائیلیان، انتشارات حیات ابدی، ۱۳۶۲.